

مسئولیت کیفری ناشی از «فعالیت مجرمانه مشترک» در قبال اسرای جنگی ایرانی در عراق

دکتر فریدون جعفری،¹ دکتر علی محبی²

چکیده

حقوق اسرای جنگی در حوزه حقوق بشردوستانه جای می‌گیرد که نقض آن جنایت جنگی بوده و موجبات مسئولیت کیفری مرتکب را فراهم می‌آورد. در بررسی نظریه «فعالیت مجرمانه مشترک» هدف، گذر از مسئولیت کیفری فردی به مسئولیت کیفری جمعی است. رسیدگی‌های محاکم بین‌المللی به‌ویژه دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق به این عقیده رهنمون یافت که نهادهای سنتی مانند شرکت و معاونت در جرم، درباره جرایم جنگی، جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی، با مسئولیت کیفری فردی مناسبت ندارد، بلکه نهاد نوینی همچون «فعالیت مجرمانه مشترک» مسئولیت کیفری کاملی را به ارمغان آورده است که در عرصه بین‌المللی از کارایی بیشتر و مؤثرتری برخوردار است. اندیشمندان حقوق کیفری بین‌المللی از به رسمیت‌شناختن این عقیده استقبال کرده‌اند و نگارنده به‌عنوان یکی از اسرای جنگی ایرانی در عراق به این نظریه اعتقاد راسخ یافته است.

واژگان کلیدی: مسئولیت کیفری، فعالیت مجرمانه مشترک، حقوق اسرای جنگی.

1. دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، عضو هیئت‌علمی دانشگاه بوعلی سینا همدان jafari.fereydoon@gmail.com

2. دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، عضو هیئت‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی همدان (از اسرای جنگی ایرانی در عراق) dr.mohebbi.ali@gmail.com/

مقدمه

در طول نگارش رساله دکتری با موضوع «حقوق اسرای جنگی در پرتو حقوق بشردوستانه» با نظریه فعالیت مجرمانه مشترک آشنا شدم و ناخودآگاه تصاویر دست‌اندرکاران کمپ 9 اسرای جنگی ایرانی در عراق که در اداره اردوگاه نقش کلیدی داشتند، از ذهنم گذشت. یادآوری صحنه‌هایی از درد و رنج بسیار غم‌انگیزی که دل هر انسان آزاده‌ای را آزرده می‌سازد و خاطرات و یا به عبارت رساتر واقعیت‌هایی که به مدت چهار سال و نیم، بارها تکرار شد و به بخشی از زندگی روزانه دوستان ما در این کمپ تبدیل شده بود. اکنون پس از گذشت 30 سال از آن ماجرا، حوادث و اتفاقات گردوغبار کهنگی به خود نگرفته‌اند و به باد فراموشی سپرده نشده‌اند؛ به‌ویژه برای کسی که بخشی از عمر خود را صرف تحقیق درباره حقوق اسرای جنگی کرده است. گذشت زمان معمولاً خاطرات را از یاد می‌برد و حوادث تلخ و شیرین از ذهن محو می‌شوند، ولی برای اسرای جنگی ایرانی رخدادهای کمپ 9 عراق از این قاعده مستثنی بوده و به‌سادگی فراموش نمی‌شود.

با توجه به معنا و مفهوم «نظریه فعالیت مجرمانه مشترک» یا «دکترین اقدامات مجرمانه مشترک»، فرضیه تحقیق این است که اگر انسجام و هماهنگی عوامل و دست‌اندرکاران اداره کمپ 9¹ نبود، بخش بسیار زیادی از درد و رنج و سختی نیز به اسرای آن اردوگاه تحمیل نمی‌شد و اسیران ایرانی پس از گذشت 30 سال از آزادی از اسارت، همچنان با مشکلات عدیده‌ای دست‌وپنجه نرم نمی‌کردند، زیرا اگر بین رده‌های مختلف نظامیان ارتش عراق در شیوه رفتار با اسرا اتحاد، انسجام و هماهنگی وجود نداشت، صلیب سرخ جهانی به‌راحتی با معضلات و مشکلات ایشان آشنا شده و اسیران می‌توانستند مسائل خود را با مأموران صلیب سرخ در میان نهاده و بخشی از سختی‌ها کمتر می‌شد، ولی انسجام و همراهی و هماهنگی عوامل اردوگاه این امکان را از اسیران ایرانی گرفت، به‌طوری‌که کسی حتی به نمایندگان این نهاد جهانی اعتماد نمی‌کرد.

تمامی اعمال و رفتار مأموران انتظامی داخل اردوگاه از فرمانده گرفته تا سربازان با درجه نازل،

1. با توجه به تحقیق کاملی درباره نقض حقوق اسرای جنگی و مصادیقی که به‌عنوان نمونه در این مقاله آورده شده است، تمامی اردوگاه‌های اسرای ایرانی در عراق از موقعیت مشابهی برخوردار بوده‌اند.

طبق طرح و نقشه مشخص و با انسجام اجرا می‌شد؛ به طوری که در طول 54 ماه اسارت شاهد کوچک‌ترین ناهماهنگی و ازهم‌گسیختگی و بی‌نظمی در شیوه برخورد با اسرا نبودیم. حتی از مترجمان و مسئولان قسمت‌ها و آسایشگاه‌ها که گاهی به عوامل اردوگاه نزدیک می‌شدند، شنیده نشد که بین اداره‌کنندگان کمپ در شیوه رفتار و برخورد با اسیران ایرانی کوچک‌ترین اختلافی وجود داشته باشند؛ بنابراین در به‌کارگیری شیوه‌های غیرانسانی و به دور از موازین حقوق بشر دوستانه از سوی دست‌اندرکاران اردوگاه، مجموعه‌ای منسجم، منظم و هماهنگ به نمایش گذاشته می‌شد. این اتحاد در قصد و هدف جای هیچ و شبهه‌ای را باقی نمی‌گذارد که نقض حقوق اسرای جنگی از طرف عوامل کمپ - که بر اساس اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی جنایت جنگی انگاشته می‌شود - به صورت فعالیت مجرمانه مشترک اجرا می‌شده است.

وقتی سخن از فعالیت مجرمانه مشترک به میان می‌آید، منظور این است که مسئولیت کیفری جمعی فراتر از مسئولیت کیفری فردی مد نظر بوده و این بحث فراتر از نهادهای حقوق کیفری همچون مشارکت و معاونت قرار گیرد؛ چه اینکه ارتکاب جنایات جنگی به شکل نهادهای سستی مانند مشارکت و معاونت در ارتکاب جنایات به اندازه کافی مورد بحث قرار گرفته‌اند. فعالیت مجرمانه مشترک که دکتربین به‌نسبه نوینی است، می‌کوشد مسئولیت کیفری جمعی و گروهی را جایگزین نهادی همچون معاونت کند تا بلکه با دیدگاهی سخت‌گیرانه مانعی در ارتکاب جنایات جنگی اشتراکی و اجتماعی ایجاد کند.

فعالیت مجرمانه مشترک در اساسنامه‌های دیوان‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا به‌صراحت مورد اشاره قرار نگرفته بود، ولی در برخی از تصمیم‌های گرفته‌شده از سوی این دیوان‌ها پذیرفته شده است. نخستین بار شعبه تجدیدنظر دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در پرونده «تادیچ» به این مسئولیت اشاره کرد (میرمحمدصادقی، 1383: 165). سرشت جرایم بین‌المللی به گونه‌ای است که اغلب در سطح کلان و همراه با سازمانی منظم و هدفمند ایجاد می‌شوند؛ از این رو افراد متعددی درگیر چنین جرایمی خواهند بود. حقوق کیفری بین‌المللی باید برای مواجهه با این جرایم سازوکارهایی تنظیم و تدوین کند تا بتواند تمام مباشران، مسببان، آمران یا محرکانی را که به گونه‌ای در تحقق جرایم و به‌سرانجام‌رساندن آن‌ها مداخله دارند، مسئول بداند و با اجرای سازوکاری عادلانه به کیفر رساند (خالقی و میرزایی، 1392: 119-97).

مسئولیت کیفری ناشی از «فعالیت مجرمانه مشترک» در قبال اسرای جنگی ایرانی در عراق

در سازمان‌دهی پژوهش حاضر، ابتدا تعریف و مفهوم فعالیت مجرمانه مشترک، و سپس آرای محاکم کیفری بین‌المللی و مدل‌های سه‌گانه مجرمانه مشترک بررسی می‌شود. در بحث پایانی نیز مصادیقی از حقوق اسرای جنگی که در اردوگاه‌های مختلف عراق نقض شده است، به‌عنوان جنایت جنگی مورد اشاره قرار گرفته است.

1. تعریف و مفهوم فعالیت مجرمانه مشترک

فعالیت مجرمانه مشترک که می‌توان از آن به مسئولیت کیفری جمعی نیز یاد کرد، عبارت است از اقداماتی که افراد در قالب یک گروه در راستای دستیابی به هدف، طرح یا برنامه مجرمانه مشترک‌شان اعمال می‌کنند (محسنی، 1388: 17). در این فعالیت برخی در قالب مفر متفکر و برخی در نقش مجری عمل می‌کنند. فرماندهان و رهبران به‌عنوان فاعل معنوی به‌طور غیرمستقیم، و عوامل پیشرو به‌طور مستقیم در ارتکاب جنایت تأثیر می‌گذارند (محمدی، 1394: 34). بر اساس این نظریه، در صورت وجود برنامه یا طرحی مشترک برای ارتکاب جنایات جنگی اگر فردی با افراد دیگری همکاری کرده باشد، او مسئول کلیه جرایم ارتكابی است؛ خواه مشارکت داشته باشد یا خیر.¹ مفهوم فعالیت مجرمانه مشترک دلالت روشنی بر مسئولیت کیفری دارد که عامل به‌وجودآورنده مسئولیت برای تمامی افراد مؤثر در طرح کیفری مشترک است (Cassese, 2007: 109).

این نظریه از مسئولیت نه‌تنها می‌تواند رهبران سیاسی و نظامی را به جرایم رخ داده مرتبط سازد، بلکه همچنین موجب مسئولیت در مواردی است که فرد به‌تنهایی عمل نمی‌کند، بلکه خود بخشی از گروهی است که به منظور ارتکاب جرم در قلمرو جمعی با هم همکاری می‌کنند که می‌تواند با عنوان «فعالیت مجرمانه مشترک»² شناسایی شود (Gustafson, 2007: 142).

رهبران، سازمان‌دهندگان، محرکان و شرکا در قبال تمام جرایم انجام‌شده توسط اشخاص مؤثر در اجرای طرح، مسئول هستند. تبانی می‌تواند مبنایی برای مسئولیت فرد در قبال تمامی جرایم علیه صلح، جرایم جنگی و جرایم علیه بشریت باشد. این استنباط در قضیه «پینکرتون» مورد تأیید قرار گرفته است.³ در این مورد، همه متهمان به‌عنوان رهبر سازمان‌دهنده، محرک یا شریک در اجرای

1. Prosecutor V. Vasilevice, (2004), Icty Appeals chamber, case No: IT- 98-32-T. p. 95

2. Joint Criminal Enterprise

3. Pinkerton v United State, 1946, Pinkerton v. United State, (1946), 328 U. S. 640.

طرح مشترک و تبانی برای ارتکاب جنایت جنگی مداخله کرده‌اند؛ هم به طور انفرادی برای جرایم خود، و هم به طور اشتراکی برای جرایمی که از سوی همه افراد ارتکاب یافته است؛¹ بنابراین مفهوم فعالیت مشترک به کار گرفته شده است تا هم جرایم را به افراد متعدد و هم افراد متعدد را به جرایم مرتبط سازد، زیرا این مفهوم دربردارندهٔ خشونت‌های جمعی فراگیر است؛ با این بیان که اسباب مسئولیت کیفری شدید را برای فرماندهان و رهبران سیاسی فراهم می‌آورد و مسئولیت کیفری افراد درگیر در یک سازمان مجرمانه را مورد توجه قرار می‌دهد (van derWilt, 2007: 108).

تفاوت اصلی فعالیت مجرمانه مشترک با مشارکت در این است که در شرکت لازم است تمامی افراد مرتکب عنصر مادی جرم شوند؛ درحالی‌که در فعالیت مجرمانه مشترک، صرف همدستی در یکی از جنبه‌های طرح یا هدف مشترک برای بارشدن مسئولیت مباشرت در جرم کافی است (میرکمالی، 1397: 82).

از مجموع تعاریف گفته‌شده چنین برمی‌آید که نظریه «فعالیت مجرمانه مشترک» یا دکترین «اقدامات مجرمانه مشترک» عبارت است از همکاری و همیاری گروهی و دسته‌جمعی برای پیاده‌کردن طرح و برنامه‌ای منسجم و هماهنگ به منظور ارتکاب جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت، نسل‌کشی و تجاوز؛ به‌گونه‌ای که اگر برخی از اعضای گروه مستقیم در رکن مادی ارتکاب جنایت نقشی نداشته باشد یا حتی اقدامات ایشان در حد معاونت در جنایت نباشد، از نظر کیفری مسئول تلقی می‌شوند.

2. پیشینه و بازتاب نظریه فعالیت مجرمانه مشترک در آرای محاکم

مبارزه با جرایم سازمان‌یافته و تلاش برای مجازات تمام مجرمان دخیل در ارتکاب این جرایم، در محاکم مرتبط با جنگ جهانی دوم سابقه دارد. این محاکم، تبانی و عضویت در سازمان مجرمانه را مبنایی برای مسئولیت کیفری به کار می‌بردند. طرح این موضوعات می‌تواند پیش‌زمینه‌ای برای مفهوم «فعالیت مجرمانه مشترک» تلقی شود (خالقی و میرزایی، 1392: 119-97).

آغاز «فعالیت مجرمانه مشترک» را باید در قضیه «تادیچ» در سال 1999 جست‌وجو کرد. تادیچ عضوی از یک گروه مسلح بود که در اوایل سال 1990 در بوسنی وارد روستایی شد و اهالی آنجا را

1. International military Tribunal, Indictment, in 1 Trial of the Major War Criminals before the International Military Tribunal: Nuremberg, 14 November 1945- 1, October 1946, pp. 27-29.

به شدت مورد ضرب و جرح قرار داد.¹ رأی مفصل و دکترین ساز شعبه تجدیدنظر دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در پرونده موسوم به «تادیچ» منجر به شکل‌گیری نظریه‌ای نوین در شناسایی مسئولیت کیفری به نام «فعالیت مجرمانه مشترک» و در پی آن بهره‌گیری بسیاری از شعب دادگاه مزبور و سایر محاکم کیفری بین‌المللی از آن نظریه شد (میرکمالی، 1397: 82).² دوسکو تادیچ² که یکی از محافظان کمپ‌های زندان صرب‌های بوسنی به نام کمپ اومارسکا³ بود، به همراه سایر اعضای گروه خود با هدف پاک‌سازی⁴ منطقه‌ای از بوسنی هرزگوین از مردم غیرصرب، به ضرب و شتم اهالی آن پرداخت که در نتیجه پنج تن به قتل رسیدند.

شعبات مختلف دادگاه‌های بین‌المللی در مسیر اثبات مسئولیت کیفری افراد دخیل در ارتکاب جرم، دست به نوآوری‌های زیادی زده‌اند تا بدین طریق توانسته باشند از بی‌کیفرمانی جنایتکاران بین‌المللی جلوگیری کنند و عدالت جزایی را بهتر اجرا کنند (خالقی و میرزایی، 1392: 119-97). برای حکم به مجرم‌بودن، اهداف سازمان باید فراگیر بوده و میان اعضا مشترک باشد (Wechsler, 1961: 163).

واقعیتی مبنی بر ارتکاب جرایم از طریق مشارکت گروهی از افراد در چهارچوب برنامه‌ای مشترک، بسیاری از قضات رسیدگی‌کننده به جرایم ارتكابی در یوگسلاوی سابق را بر آن داشت تا از نیات و اقدامات مجرمانه معاونان و سایر همدستانی که مرتکب عنصر مادی جرم نهایی نشده‌اند، گذر نکنند و مباشر مستقیم جرم را اصلی‌ترین عامل ارتکاب آن در نظر نگیرند. از رهگذر همین واقعیت است که فعالیت مجرمانه مشترک مناسب‌ترین مدل مسئولیت کیفری برای مبارزه با ابعاد جمعی ارتکاب جرایم بین‌المللی معرفی شده است (Marchuk, 2013: 166). عناصر مادی حداقلی این مدل از مشارکت عبارت است از وجود تعدادی از افراد، وجود هدف، طرح یا نقشه مشترک که ارتکاب جرمی از جرایم تحت صلاحیت دادگاه را دربرگیرد و بالاخره مشارکت متهم در یک جنبه یا بیشتر از آن هدف، طرح یا نقشه مشترک. البته این مشارکت نه به معنای ارتکاب فیزیکی جرم و نه حتی نیازمند حضور متهم در زمان یا مکان ارتکاب است، بلکه فعل یا ترک فعل به طریقی که به پیشبرد هدف مشترک بیانجامد، برای اثبات آن کافی است.⁵

1. Judgment, Tadic (IT-94-1-T), ICTY Trial Chamber, 11 November 1997. p. 373.

2. Duško Tadić

3. Omarska

4. Ethnic cleansing

5. Milutinovic and others, Trial Judgment, para, 103; Kvočka and others, Appeal Judgement, para. 99.

طبق رأی شعبه تجدیدنظر در پرونده «ماتینوویچ»^۱، مسئولیت کیفری بر اساس مفهوم فعالیت مجرمانه مشترک شکلی از مسئولیت به صرف عضویت در سازمان یا تبانی برای ارتکاب جرم نیست، اما شکلی از مسئولیت به علت دخالت در ارتکاب جرم به عنوان بخشی از فعالیت مجرمانه مشترک است.^۲ اساسنامه دادگاه یوگوسلاوی دو شکل از مسئولیت در این ماده را مورد اشاره قرار داده است: نخست دخالت فیزیکی و عملی در ارتکاب جرم توسط شخص مجرم، و دوم مشارکت در محقق ساختن طرح یا هدف مشترک؛ بدین ترتیب این شعبه نوعی مسئولیت بر مبنای طرح مشترک را که بعداً فعالیت مجرمانه مشترک نامیده شد، ایجاد کرد.^۳ قصد مشترک نیز بدین معناست که افراد دخیل در فعالیت مجرمانه مشترک، از قصد مشابهی برای ارتکاب یک جرم برخوردار باشند (Cassese, 2007: 111).

پرونده «سیمیچ و دیگران»^۴ سه متهم داشت، اما متهم اصلی سیمیچ بود که بر مبنای گونه نخست فعالیت مجرمانه مشترک، مسئول شناخته شد. او ریاست انجمن شهرداری و ستاد بحران را بر عهده داشت. این متهم و دیگر افراد، در اجرای طرح مشترک آزار و اذیت غیرنظامیان غیرصرب، قصد مشابه داشتند. این آزار و اذیت به شکل بازداشت و توقیف غیرقانونی، رفتار غیرانسانی و ظالمانه مانند ضرب و شتم، شکنجه، کار اجباری و تبعید شهروندان غیرصرب ظاهر شد. متهم در هیچ یک از این اعمال دخالت مستقیم نداشت، ولی به علت وجود یک طرح مشترک و قصد اجرای آن، بر مبنای مشارکت در فعالیت مجرمانه مشترک به هفده سال حبس محکوم شد.^۵

۳. مدل های سه گانه فعالیت مجرمانه مشترک

۳-۱. گونه نخست: ساده، پایه، مبنایی یا اصلی

نخستین دسته با عنوان فعالیت مجرمانه مشترک اصلی و مبنایی، زمانی مطرح می شود که تمامی شرکای جرم بر اساس هدف مشترک عمل می کنند و دارای قصد مجرمانه یکسان هستند مانند اینکه متهمان

1. Multinovic

2. Prosecutor V. Multinovic et al, (2003), Decition on Dragoljub Ojdanic Motin challenging jurisdiction- joint criminal enterprise, Appeals champer, Case No. IT-99-37- AR72. 23, 2003. p. 138.

3. Judgment, Tadic (IT-94-1-A), ICTY Appeals Chamber, 15 July 1999, p. 183, (hereinafter. Tadic Appeal Judgment)

4. Simic and others

5. Judgment, Simic and others (IT-95-9), Trial Chamber, 17 October 2003, p. 151.

برنامه‌ای را به صورت مشارکت در کشتن دیگری پیگیری کنند (گیدئون، بیسچوف، 2008: 196). این نوع فعالیت مجرمانه که مدل پایه یا ساده نامیده می‌شود، زمانی محقق می‌شود که تمامی همکاران و افراد دخیل در گروه، قصد مجرمانه مشابهی داشته باشند و یک نفر یا بیشتر - نه همه افراد - آن جرم را در عمل و عیناً انجام دهند.¹ در این گونه که شق پایه‌ای «فعالیت مجرمانه مشترک» است، مرتکبان برای عملی کردن و اجرای طرحی مشترک اقدام می‌کنند و از قصد مشترک و مشابهی برخوردارند.²

در رأی تجدیدنظر پرونده تادیچ، برای تبیین این نوع فعالیت مجرمانه مشترک به پرونده «چپسن و دیگران»³ اشاره شده است؛ به این مضمون که متهم محکوم به قتل پناهندگان جنگی یک کمپ شد و دادستان آن پرونده استدلال کرد اگر متهم به صورت داوطلبانه به چنین کشتار فجیعی پیوسته باشد و با ایفای نقش خویش به دیگران در ارتکاب جرم قتل کمک کرده باشد، مسئولیت قتل تمامی کشته‌شدگان بر دوش او و نیز تمام کسانی خواهد بود که در مسیر همکاری با این اقدام مجرمانه بوده‌اند؛⁴ بنابراین برای تحقق و فعالیت گونه نخست، دو شرط لازم است: وجود طرح مشترک و وجود قصد مشترک. شعبه رسیدگی کننده به قضیه «مولتینویچ»⁵ در مورد طرح مشترک بیان داشت این شرط بدان معناست که متهم با دیگر اعضای دخیل در فعالیت مجرمانه، نسبت به ارتکاب جرایمی توافق کند.⁶ دادستان موظف به اثبات آن است که: (1) سیستم سرکوب سازمان‌یافته‌ای وجود داشته است؛ (2) متهم مشارکت فعالی در اجرایی کردن آن سیستم دارد؛ (3) از ماهیت آن نظام آگاه بوده است؛ و (4) قصد پیشبرد آن نظام را داشته است.⁷

در پرونده‌ای دیگر چنین اظهار نظر شده است که «مسئول شناختن یک فرد در موضوع مورد بحث بدین معنی نیست که او در واقع ضربه کشنده و نهایی را وارد کرده و مستقیم موجب قتل بزه‌دیده شده است، بلکه مسئول شناختن او به واسطه درپیش گرفتن هر وسیله خشونت‌آمیز دیگری است که در واقع نشانگر درجه‌ای غیرمستقیم از مشارکت است و این امر فارغ از آن است که رفتار متهم برای

1. Tadic Appeal Judgment, Para. 196; milutinovic and others, trial judgment, para. 108.

2. Judgment, Tadic (IT-94-1-A), ICTY Appeals Chamber, 15 July 1999. p. 183 (hereinafter. Tadic Appeal Judgment)

3. Jepsen and others

4. Trial of Gustav Alfred Jepsen and others, 24 August 1946, Proceeding of a War Crimes Trial held at Luneberg, Germany

5. Moulitinovich

6. Prosecutor V. Multinovic et al, (2003), Decition on Dragoljub Ojdanic Motin challenging jurisdiction, joint criminal enterprise, Appeals champer, Case No. IT-99-37- AR72. 23., 2003. p. 146.

7. Prosecutor V. Kernojelac, (2003), ICTY Appeals champer, IT-97-25-A., 2003. p. 246.

به وقوع پیوستن نتیجه مجرمانه کافی بوده است یا اینکه اگر رفتار او نمی‌بود، جرم به وقوع نمی‌پیوست»¹.

2-3. گونه دوم: منسجم، منظم یا نظام‌مند

مدلی که بیشتر با موضوع این تحقیق سازگاری دارد و دربرگیرنده تمام شرایط آن است، نوع منسجم، منظم یا نظام‌مند است. در این گونه از فعالیت مجرمانه مشترک، به اتهام افرادی رسیدگی شده است که جزء واحدهای اداری یا نظامی بودند و در طرح سوءرفتار با زندانیان و کشتن آنها مشارکت داشتند. شعبه تجدیدنظر با توجه به این پرونده به توضیح رکن مادی و رکن معنوی گونه دوم فعالیت مجرمانه مشترک پرداخت. از نظر این شعبه، رکن مادی ضروری در این گونه عبارت بوده است از مشارکت فعال در اجرای نظامی از سرکوب. همچنین بیان داشت این مشارکت از مقام فرد و عملکرد او قابل استنباط است.²

این مدل زمانی محقق می‌شود که اعضای واحدی جنگی یا اداری که اردوگاه زندانیان را اداره می‌کنند، از طریق اعمال اقتدار در چهارچوب سلسله‌مراتب واحد مربوط به خود، مرتکب جرمی در راستای انجام نقشه مورد توافق می‌شوند؛ به همین دلیل به این دسته، «پرونده‌های اردوگاه زندانیان» نیز گفته شده است (Kai, 2007: 160).

این گونه از فعالیت مجرمانه مشترک سیستم سازمان‌یافته‌ای شناخته می‌شود که جرایم در آن توسط اعضای واحدهای نظامی، اداری و اجرایی مانند افرادی که اداره بازداشتگاه زندانیان و اسرای جنگی را به عهده دارند و به صورت منظم و در قالب مجموعه‌ای از رفتارهای سوء و اذیت و آزار نسبت به این زندانیان و اسیران رخ می‌دهد. در این گونه فعالیت مجرمانه مشترک لازم نیست از قبل توافقی بین اعضا وجود داشته باشد (اردبیلی و رشنودی، 1397: 38). آنچه نیاز به اثبات ندارد، وجود طرح پیشین و نیز توافق بین افراد آن اردوگاه است. به عبارت دیگر، همین که فرد با وجود رکن روانی در عملی کردن و تحقق نظام سرکوب و سوءرفتار با زندانیان نقشی را ایفا کند، مسئول است.³

دادگاه در ابتدا بیان می‌دارد داشتن وظیفه اداری و رسمی یا جزء پرسنل اردوگاه بودن برای

1. Trial of Feutstein and others, 24 August 1948, Proceedings of a War Crimes Trial held at Hamburg, Germany
2. Judgment, Tadic (IT-94-1-A), ICTY Appeals Chamber, 15 July 1999. pp. 204-206 (Hereinafter, Tadic Appeal Judgment)
3. Judgment, Kvočka and others (IT-98-30/1), Trial Chamber, 2 November 2001, p. 324.

مسئولیت کیفری ناشی از «فعالیت مجرمانه مشترک» در قبال اسرای جنگی ایرانی در عراق

مسئول شمردن لازم نیست، اما سپس عقیده‌اش را مشروط می‌کند و توضیح می‌دهد هر بازدیدکننده‌ای که وارد اردوگاه می‌شود و با زندانیان رفتار بدی انجام می‌دهد و این رفتار بد اتفاقاً با فضایی رعب‌انگیز و زجرآور اردوگاه همسو می‌شود، نمی‌تواند بر مبنای نظریه فعالیت مجرمانه مشترک مسئول تلقی شود بلکه عمل او باید به حد مشارکت مؤثر برسد.¹

3-3. گونه سوم: موسع یا گسترده

این دسته که مدل موسع نامیده می‌شود زمانی رخ می‌دهد یک طرح مشترکی برای انجام اقدامات مشخصی وجود دارد، اما یکی از اعضا مرتکب رفتاری می‌شود که هرچند آن رفتار خارج از طرح مشترک بوده است ولی به هر حال نتیجه‌ای طبیعی و قابل پیش‌بینی از اعمال آن قصد مشترک بوده است.² در این گونه فعالیت مجرمانه مشترک، اعضا مانند گونه نخست دارای هدف، طرح و برنامه مشترک برای ارتکاب جنایت هستند با این تفاوت که یک یا چند نفر از اعضای گروه، فراتر از طرح و برنامه مد نظر گروه، مرتکب جنایاتی خارج از محدوده هدف مشترک می‌شوند؛ با این وصف که جنایت یا جنایات ارتكابی نتیجه طبیعی و قابل پیش‌بینی از طرح یا برنامه مورد توافق هستند (اردبیلی و رشنودی، 1397: 38). دو شرط برای احراز عنصر روانی در دسته سوم شناخته شده است: نخست داشتن قصد مجرمانه برای شرکت در طرح مجرمانه مشترک؛ دوم قابل پیش‌بینی بودن وقوع جرم جدید در اثر همدستی و پذیرش این خطر از روی میل. شرط دوم، وجه ممیزه این دسته با دو دسته پیشین است (جانی‌پور و لادمخی، 1393: 6).

این دسته، نوع گسترش‌یافته گونه نخست است و هنگامی تحقق می‌یابد که یکی از مجرمان مرتکب فعلی شود که هرچند خارج از آن طرح مشترک بوده است اما نتیجه طبیعی و قابل پیش‌بینی اجرای آن طرح باشد.³ مطابق این گونه از فعالیت مجرمانه مشترک، مسئولیت جرایم خارج از طرح مشترک ممکن است متوجه تمام اشخاص درگیر در طرح شود؛ اگر چنین جرایمی قابل پیش‌بینی باشند و متهم به عمد در اجرای آن طرح که ممکن است چنین جرایمی را سبب شود، مشارکت کند و

1. Judgment, MiloSevic (IT-02-54-T), 1 July 2005, p. 599.

2. Tadic Appeal Judgment, Para. 196; Milutinovic and others, Trial Judgment, para. 204.

3. Judgment, Tadic (IT-94-1-A), ICTY Appeals Chamber, 15 July 1999. p. p. 204 -206 (hereinafter. Tadic Appeal Judgment)

در واقع به نوعی نسبت به آن جرایم بی تفاوت باشد.¹

دادگاه بر این باور بود که آقای تادیچ به عنوان یکی از متهمان پرونده مطلع بوده است که قصد مشترک گروهش مبنی بر ضرب و شتم مقتولان به احتمال زیاد منجر به قتل آنها خواهد شد. البته برای آنکه میان اقداماتی که یک نفر انجام داده با جرمی که دیگری مرتکب شده است، ارتباطی از نوع سببیت و علی باشد، لازم است تا عمل نفر دومی توسعه و گسترش احتمالی و منطقی عمل نفر اول را دربرگیرد.² در پرونده «میلان مارتیچ»³ در سال 2008 چنین اظهار شد که با توجه به وقایع پرونده، متهم آگاه بوده است در اثر انتقال اجباری غیرصربها، این افراد در حال نابودی و بزه‌دیدگی هستند، اما داوطلبانه از مداخله در برابر مرتکبان جرایم علیه غیرصربها خودداری کرد و نظر به این مراتب، به جرایم ارتكابی محکوم شد.⁴

4. مصادیقی از حقوق اسرای جنگی در کنوانسیون سوم ژنو

کنوانسیون ژنو مصادیق کاملی از حقوق اسرای جنگی را مورد پیش‌بینی قرار داده است: از ماده 1 تا 11 مقررات عمومی، از ماده 12 تا 16 در مورد حمایت کلی از اسیران جنگی، از ماده 17 تا 108 درباره آغاز اسارت، بازداشت، مسکن، غذا و لباس اسیران جنگی، بهداشت و پرستاری طبی، کارکنان بهداشتی و مذهبی که برای کمک به اسیران جنگی نگاه داشته می‌شوند، مذهب و فعالیت‌های فکری و بدنی، انتظامات، درجات اسیران جنگی، و چگونگی انتقال اسیران جنگی پس از ورود به بازداشتگاه است. ماده 46 در رابطه با شیوه انتقال، ماده 49 درباره نحوه به‌کارگرفتن اسیران، ماده 78 حق اعتراض به رعایت نشدن حقوق ایشان، ماده 79 شیوه انتخاب معتمد از میان خود، ماده 83 درباره ترجیح و اولویت تعقیب انتظامی به تعقیب کیفری، ماده 109 در مورد بازگرداندن بیماران و مجروحان بدحال به وطن و عدم بازگشت اجباری ایشان، ماده 110 کیفیت بازگشت به وطن، و ماده 122 تأسیس دفتر اطلاعات اسیران به محض آغاز جنگ را بیان می‌کنند.

طبق کنوانسیون ژنو، رفتار غیرانسانی یا غیرشرافتمندانه با اسیران جنگی ممنوع است (مواد 13 و

1. Judgment, Tadic (IT-94-I-A), ICTY Appeals Chamber, 15 July 1999. p. 204 (hereinafter. Tadic Appeal Judgment)

2. Giustizia penale, 1950, part II, cols. 696-697. Sited in: Tadic Appeal Judgment, Para 217.

3. Milan Mrtich

4. Case Information Sheet, Milan Martić, International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia, p. 1.

14 کنوانسیون سوم ژنو). هرگونه تبعیض بر اساس نژاد، ملیت، عقاید مذهبی یا نظرات سیاسی یا معیارهای مشابه غیرقانونی است (ماده 16 کنوانسیون سوم ژنو). لزوم رفتار انسانی نسبت به غیرنظامیان و افراد خارج از نبرد در ماده 3 مشترک کنوانسیون‌های ژنو و همچنین در مقررات ویژه کنوانسیون‌های چهارگانه مقرر شده است.¹ اسیران جنگی در همه احوال، ذی‌حق به حرمت شخصیت و شرافت خویش هستند.² هر عمل یا غفلت غیرموجه از سوی دولت بازداشت‌کننده که موجب فوت اسیر جنگی شود یا سلامت او را به شدت در خطر اندازد، ممنوع است.³ نمی‌توان هیچ اسیر جنگی را مورد جرح جسمانی یا آزمایش طبی یا علمی قرار داد. همچنین اسیران جنگی باید در هر زمان به‌ویژه در مقابل هرگونه عمل خشونت‌آمیز یا تهدید و در مقابل ناسزا و کنجکاوای مردم حمایت شده و اقدامات قصاصی علیه آنان ممنوع است.⁴ هرگونه تنبیه بدنی و حبس در اماکنی که از روشنایی روز محروم باشد و به‌طورکلی هرگونه شکنجه و قساوت ممنوع است. نمی‌توان هیچ اسیر جنگی را از درجه خود محروم ساخت یا از حمل علامات آن جلوگیری کرد.⁵

وضع مسکن اسیران جنگی باید به‌خوبی وضع مسکن نیروهای کشور بازداشت‌کننده که در همان ناحیه اقامت دارند، باشد. همچنین ممنوعیت مجازات‌های دسته‌جمعی اسرای جنگی مورد شناسایی قرار گرفته است.⁶ تحمیل «مجازات‌های دسته‌جمعی» در گزارش کمیسیون مسئولیت که پس از جنگ جهانی اول تأسیس شد، به‌عنوان جنایت جنگی مورد توجه قرار گرفته بود. ماهیت عرفی این قاعده که پیش از این و در جریان جنگ جهانی دوم اعمال شد، از سوی دادگاه نظامی رم در «قضیه پریبکه»⁷ در سال 1997 نیز مورد تأیید قرار گرفت. این قید که تحمیل مجازات دسته‌جمعی جنایت جنگی است، در اساسنامه دیوان کیفری برای رواندا و دادگاه ویژه سیرالئون نیز دیده می‌شود.⁸ تنها

1. کنوانسیون‌های ژنو، ماده 3 مشترک، کنوانسیون اول ژنو، ماده 12، بند اول، کنوانسیون دوم ژنو، ماده 12، بند اول، کنوانسیون سوم ژنو، ماده 13، کنوانسیون چهارم ژنو، مواد 5 و 27، بند اول.

2. ماده 14 کنوانسیون سوم ژنو

3. ماده 13 کنوانسیون سوم ژنو

4. ماده 13 کنوانسیون سوم ژنو

5. ماده 87 کنوانسیون سوم ژنو

6. پروتکل الحاقی 1، ماده 75 (2) (د).

7. Priebke case

8. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی برای رواندا، ماده 4 (ب).

هدف از بازداشت اسیران جنگی جلوگیری از شرکت آنان در مخاصمه‌های مسلحانه است؛ بنابراین شرایط اسکان، زیست، بهداشت و مراقبت‌های پزشکی آنان باید مانند نیروهای مسلح متبوع «قدرت اسیرگیرنده» باشد (داعی، 1387: 76). آب خوردنی کافی برای اسیران جنگی تهیه خواهد شد.¹ هرگونه مجازات انتظامی دسته‌جمعی که از نظر محرومیت غذایی صورت گیرد، ممنوع است.² قواعد حقوق بشر نیز مبتنی بر اصل رفتار انسانی با افراد است. به‌طور خاص، اسناد حقوق بشر بر لزوم رفتار انسانی و احترام به کرامت انسانی اشخاصی که از آزادی محروم شده‌اند، تأکید می‌ورزند. کمیته حقوق بشر در نظریه عمومی پیرامون ماده 4 میثاق بین‌المللی مدنی و سیاسی، ماده 10 میثاق را مورد استناد قرار داده است که مقرر می‌دارد «لزوم رفتار انسانی و احترام به کرامت ذاتی اشخاصی که از آزادی محروم شده‌اند، اصلی تعلیق‌ناشدنی است و بنابراین در تمامی احوال قابل‌اعمال است».³

5. جنایت جنگی ناشی از نقض حقوق اسرای جنگی در عراق

جنایت جنگی، نقض مقررات و قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی است. جرم جنگی به‌عنوان پدیده‌ای جزایی، جزء جرایم بین‌المللی است. تعریف جنایت جنگی سابقه طولانی ندارد و نخستین بار عهدنامه 1977 لاهه، به‌طور مبهم در مورد قوانین و عرف‌های جنگ سخن گفته است (جوانی، 1387: 123). جنایت‌های جنگی در خلال درگیری‌های مسلحانه صورت می‌گیرند، گرچه باید توجه داشت هر جنایتی در این بین، جنایت جنگی محسوب نمی‌شود. جنایت جنگی باید پیوند کافی با درگیری مسلحانه داشته باشد. جنایت‌های جنگی مندرج در دو اساسنامه دادگاه نورنبرگ و توکیو، جنایاتی بودند که ارتکاب آن‌ها در خلال درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی صورت گرفته بود. این اساسنامه‌ها جرایم جنگی را این‌چنین تعریف می‌کنند:

«نقض قوانین و رسوم جنگ عبارت است از بدرفتاری یا تبعید سکنه غیرنظامی نواحی اشغالی به

1. تابستان‌ها به دلیل گرمی هوا مصرف آب بیشتر می‌شد. از 7 غروب تا 7 هفت صبح یک ظرف سفالی به نام حبانه پُر می‌شد که حداکثر 15 لیتر ظرفیت داشت. به همین دلیل برای 50 نفر به‌هیچ‌وجه کافی نبود. ناگزیر از جیره بودیم؛ به‌ویژه اینکه برای طهارت هم آب نداشتیم و گاهی از آب آشامیدنی استفاده می‌کردیم. آشکار است جیره‌بندی آب در تابستان گرم چه رنج و مشقاتی را به همراه خواهد داشت.

2. ماده 26 کنوانسیون سوم ژنو

3. کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، نظریه عمومی شماره 29 (ماده 4 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی)

منظور کار اجباری یا به منظور دیگر، قتل یا بدرفتاری با زندانیان یا افرادی که در دریا هستند، اعدام گروگان‌ها، غصب و غارت اموال عمومی یا خصوصی بدون جهت یا هرگونه تخریبی که ضرورت نظامی آن را ایجاب نکند (جوانی، 1387: 123).

جنایت‌های جنگی مندرج در اساسنامه دادگاه یوگوسلاوی سابق به دو دسته تقسیم می‌شوند: ماده دو اساسنامه حاکی از ممنوعیت نقض‌های فاحش مقررات کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو درباره حمایت از قربانیان درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی است. ماده 3 آن، تخلف از قوانین و عرف‌های جنگ را ممنوع دانسته، آن‌ها را در قالب فهرستی ناتمام برمی‌شمارد. این ماده درصدد بیان حکم کلیه جرایم جدی به جز نقض‌های فاحش است و بنابراین می‌توان گفت به نوعی نقش یک «اصل فراگیر» را ایفا می‌کند. بر این اساس، هرچند جنایت‌هایی مانند شکنجه و هتک کرامت فردی به صراحت بیان نشده‌اند، اما این موارد نیز جنایت جنگی به شمار می‌آیند.

جنایت جنگی مندرج در اساسنامه دادگاه رواندا، جنایتی است که در یک درگیری داخلی رخ داده است. عنوان ماده 4 این اساسنامه، تخلفات از ماده 3 مشترک کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل الحاقی دوم است (کیتی شیایزری، 1383: 255-256)؛ بنابراین نقض حقوق اسرای جنگی ایرانی در عراق مصداق بارز جنایات محسوب شده است که قابل تعقیب و مجازات در حوزه حقوق کیفری بین‌المللی است. ولی آنچه در ادامه آورده می‌شود تنها مشتی از خروار است و مصادیق بدرفتاری، ضرب و شتم، اذیت، آزار و شکنجه اسیران ایرانی بسیار بیش از این است که در این مختصر بگنجد. نکته حائز اهمیت اینکه برنامه‌های دولت عراق علیه اسرای جنگی به صورت هماهنگ، منسجم و با هدف مشترک انجام می‌گرفته است؛ از این رو می‌توان بر این عقیده بود که عوامل و اداره‌کنندگان اردوگاه‌های اسرای جنگی دارای مسئولیت کیفری مشترک بوده‌اند.

در طول هشت سال دفاع مقدس حدود چهار هزار ایرانی به اسارت نظامیان عراقی درآمدند. به‌رغم اینکه دولت عراق طرف کنوانسیون 1949 ژنو و ملزم به قواعد عرفی حمایت از اسیران جنگی بود، ابتدایی‌ترین حقوق اسیران جنگی ایرانی رعایت نمی‌شد؛ تا جایی که می‌توان گفت عملکرد عراقی‌ها در این زمینه کلکسیون‌ی از موارد نقض عمده حقوق بین‌الملل بشردوستانه بود که جنایات جنگی به شمار می‌آمدند و موجب مسئولیت کیفری فردی و مسئولیت بین‌المللی دولت بر اساس حقوق بین‌الملل می‌شدند (داعی، 1387: 91-122).

تمام افرادی که در ارتکاب موارد نقض حقوق اسیران جنگی ایرانی در عراق به شکلی نقش داشته‌اند، از مباشران گرفته تا شرکا و معاونان آن و مسئولان دولتی که یا از موارد نقض آگاه بوده‌اند یا حسب مسئولیتی که داشته‌اند، باید از آن آگاه می‌بودند، بر مبنای نقشی که داشته‌اند، مسئولیت کیفری داشته و جنایتکار جنگی به شمار می‌روند (Cassese, 2007: 109-133).

سرگذشت اسرایی که با تحمل فشارها و آسیب‌های جسمی و روانی، سال‌ها از کانون خانواده به دور بودند و شهیدایی که جان خون را نثار حفظ تمامیت ارضی میهن خود کردند، یکی از نازیباترین مناظری است که از جنگ باقی مانده است (زمانی، 1395).

گفتنی است بخشی از اسیران ایرانی را غیرنظامیان تشکیل می‌دادند. حدود 1500 از این افراد غیرنظامیانی بودند که در شهرهای مرزی و در تهاجم روزهای اول جنگ، از سوی نظامیان عراقی بازداشت شده بودند. بخش دیگری از آنان، حدود 500 نفر از ساکنان مناطق مرزی کردنشین ایران بودند که در تردهایی که به روستاهای مرزی عراق داشتند، دستگیر یا از سوی گروه‌های معارض جمهوری اسلامی ایران دستگیر و به نظامیان عراقی فروخته شده بودند.¹

الکساندر هی رییس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در گزارشی به کنفرانس بین‌المللی «مانیل» اظهار داشت: «غیرنظامیان، کودکان، زنان و اشخاص مسن که به هنگام نخستین تعرض نیروهای عراقی تخلیه شده بودند، به‌رغم تقاضاهای مکرر صلیب سرخ به‌عنوان اسیر جنگی در عراق نگهداری می‌شوند» (روزنامه اطلاعات، 1360).

پس از دستگیری، اسیران جنگی را بدون سرپناه زیر آفتاب نشانده و از دادن آب به آن‌ها دریغ می‌ورزیدند، سپس نظامیان عراقی با گرفتن دست‌وپای اسیران ایرانی، آنان را به داخل خودروهای نفربر پرت کرده و ابتدا به پادگانی نظامی در شهرک تنومه² منتقل می‌کردند (اکبری، 1383: 22).

در آنجا اسیران ایرانی را در اتاق‌های 5×10 زندانی می‌کردند، بسته به تعداد اسیران، گاهی 150 تا 170 نفر را در یک اتاق حبس می‌کردند، بدون اینکه آب یا غذایی به آن‌ها بدهند یا به وضعیت مجروحان رسیدگی کنند (اکبری، 1383: 22).

در گزارش‌های کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در این باره آمده است: «در ششم مارس 1984،

1. The Report of a Mission Dispatched by the Secretary-General on the Situation of Prisoners of War in the Islamic Republic of Iran and Iraq, January 1985, at para. 96 & 97.

2. تنومه شهری است بین شلمچه و بصره که در فاصله 20 تا 30 کیلومتری بصره قرار دارد.

470 اسیر به بازداشتگاه موصل 3 منتقل شدند. نگهبانان، اسیران تازه‌وارد را به پشت اتاق شماره یک منتقل کردند. در آنجا نگهبانان ابتدا اسیران ایرانی را به نوبت بالای سر بلند کرده و به زمین می‌کوبیدند. سپس با مشت و لگد آن‌ها را مورد ضرب و شتم قرار می‌دادند. پس از اینکه اسیر از جا بلند می‌شد، باید از بین ده‌ها سرباز مجهز به چوب و کابل عبور می‌کرد. پس از آن، مجبور بود همین رفتاری را که با او شده است، نسبت به سایر اسیران مشاهده کند. علاوه بر سربازان، فرمانده و سایر افسران مسئول بازداشتگاه نیز در این کار مشارکت داشتند. موارد مورد ادعای اسیران ایرانی از سوی پزشک همراه هیئت مورد تأیید قرار گرفت. در این حادثه دو اسیر چشم خود را از دست دادند.¹ رفتار غیرانسانی با مقامات رسمی بازداشت‌شده ایرانی در اسارت گزارش شده است (تندگویان و همراهان)². طبق اظهارات بسیاری از اسیران مبادله‌شده ایرانی، وضع آنان از نظر شرایط بهداشتی، تغذیه، مسکن و رفتار مقامات عراقی با آن‌ها نامطلوب بوده و اغلب به بیگاری وادار می‌شده‌اند (اداره پژوهش و نگارش، 1369: 22).

فقدان رسیدگی‌های پزشکی کافی و درمان بیماران و مجروحان در مواردی منجر به فوت یا نقص عضو اسیران ایرانی شده است.³ نمایندگان کمیته صلیب سرخ در بیشتر بازدیدهای خود از اردوگاه‌های اسیران ایرانی در عراق، ضمن ابراز ناخرسندی از وضع اردوگاه‌ها گزارش داده‌اند سیستم فاضلاب اردوگاه موصل 1 وضع بدی داشته است و از دی ماه 1360 تا زمان بازدید دوباره نمایندگان در تیرماه 1361 به همان وضع بوده است. آنان با در نظر گرفتن خطر تهدید سلامت اسرا از مقامات عراقی خواسته‌اند هرچه زودتر نسبت به اصلاح سیستم فاضلاب اردوگاه اقدام کنند، ولی آنان ضمن مخالفت ادعا کرده بودند هزینه این کار افزون بر بودجه‌ای است که برای تعمیرات منظور شده است (خاکریز پنهان، 1361: 46).

حبس 17 تا 19 ساعته اسیران ایرانی در اتاق‌هایشان در بازداشتگاه‌های فاقد امکانات زیستی و بهداشتی کافی و عدم دسترسی دائم به سرویس‌های بهداشتی و عدم تأمین آب، غذا و لباس کافی⁴، گوشه‌ای از شرایط نامطلوب نگهداری اسرای ایرانی بوده است. توالی آسایشگاه‌ها از آهن نبشی که

1. ICRC Report on Visit to Prisoner of War Camp 4 [Mosul 23, 24] 25 May 1984, at para. 20.

2. Report of a Mission Dispatched by the Secretary-General on the Situation of Prisoners of War in the Islamic Republic of Iran and Iraq, January 1985, at para. 103 & 105.

3. Report on ICRC Visit to Iranian Prisoners of War in Tamuz Military Hospital, 18 November 1984, at para 10.

4. ICRC Report on Visit to Prisoner of War Camp 8, 27, 28, 29 July 1982, at para, 138.

اسرا دور آن را با گونی پوشانده بودند، ساخته شده بود و در سمت راست یا چپ درب ورودی قرار داشت؛ از این رو بسیاری از اوقات فضای آسایشگاه نامطلوب بوده است. پس از اسارت از منطقه جنگی تا اردوگاه، گاهی یک نوبت به اسیران اجازه می‌دادند از سرویس بهداشتی کثیف و خون‌آلود آنجا زیر ضربات کابل استفاده کنند (اکبری، 1383: 22). همچنین اسرا را در سلول‌های فاقد هرگونه امکانات بهداشتی به همراه سایر اسیران سالم حبس کرده و با همان حال مورد بازجویی و شکنجه قرار می‌دادند (روزنامه اطلاعات، 1360).

تا زمان نگارش این مقاله هیچ‌یک از فرماندهان یا نیروهای نظامی عراقی که مسئولیت نگهداری اسیران جنگی ایرانی را بر عهده داشتند، در هیچ دادگاهی محاکمه و مجازات نشده‌اند؛ بنابراین ماده 129 کنوانسیون سوم نیز نقض شده است. با توجه به موارد گفته‌شده، دولت وقت و یا آتی عراق مکلف است نسبت به انجام تحقیق، پیگرد قضایی، محاکمه مجازات عاملان نقض‌های عمده در حق اسیران جنگی ایرانی اقدام کند و به نحو مقتضی نسبت به جبران خسارت وارده از جمله پرداخت غرامت در حق قربانیان نقض‌های رخ داده اقدامات لازم را به انجام رساند (داعی، 1387: 91-122).

نتیجه‌گیری

حاصل این تحقیق به این نتیجه رهنمون شد که مسئولیت کیفری ناشی از فعالیت مجرمانه مشترک به‌رغم انتقادهای وارد بر آن، در بین حقوق‌دانان کیفری طرفدارانی دارد. هر یک از اساتید برای اثبات این نظریه استدلال‌هایی را مطرح کرده‌اند. با این توضیح که در جرایمی مانند جنایت علیه بشریت، جنایات جنگی، نسل‌کشی و جنایت تجاوز، با توجه به ماهیت ارتكابی جمعی و گروهی و تعدد مجنی‌علیه این‌گونه از جنایات، نهادهایی مانند شرکت و معاونت در جرم نمی‌تواند تمامی عوامل و افراد مداخله‌کننده در جنایت را به طور کامل تحت تعقیب، محاکمه و مجازات قرار دهد؛ از این رو با تمسک به مسئولیت کیفری فردی، بسیاری از کسانی که اعمال ایشان در حد شرکت یا حتی معاونت در جرم تلقی نمی‌شود، به‌راحتی از تعقیب و مجازات‌رهایی پیدا کرده و تنها کسانی که پیش‌قراول و مجری برنامه‌های مغزهای متفکر و پشت‌پرده بوده‌اند، به مجازات می‌رسند. درحالی‌که طراحان و برنامه‌ریزان از مهلکه جان سالم برده و می‌برند و این موضوع نمی‌تواند عدالت کیفری را در حوزه حقوق بین‌المللی کیفری محقق سازد.

همان‌گونه که گذشت، با صدور آرا از محاکم کیفری بین‌المللی دربارهٔ فعالیت مجرمانه مشترک، به‌ویژه تصمیم‌های دیوان کیفری بین‌المللی در یوگسلاوی سابق، و نظریه‌ها و استدلال‌های قضات رسیدگی‌کننده به متهمان جنایت‌های جنگی، پایه‌های اولیه و اساسی دکترین اقدامات مجرمانه مشترک بنیان‌گذاری شد. سپس اساتید حقوق کیفری در راستای تقویت این دیدگاه به اظهار عقیده پرداخته و سه مدل از فعالیت مجرمانه مشترک را از هم جداسازی کردند. به‌گونه‌ای که در رابطه با مدل اول و دوم عقاید قاطع‌تری را نسبت به مدل سوم ارائه کردند. همچنین گونه دوم که با وضعیت اسرای جنگی انطباق کامل داشت، فرضیهٔ این تحقیق را قوت بخشید. فرضیه پژوهش این بود که اگر نظامیان و سربازان و به‌طورکلی تمامی دست‌اندرکاران و اداره‌کنندگان کمپ 9 از انسجام و انتظام و هماهنگی برخوردار نبودند، خشونت و رفتار غیرانسانی آن‌ها با اسرای جنگی با طراحی و برنامه‌ریزی صورت نمی‌گرفت و اسیران ایرانی بدون ترس و وحشت از تنبیه‌ها و شکنجه‌های بعدی می‌توانستند با نمایندگان صلیب سرخ جهانی ارتباط برقرار کرده و مشکل‌ها و معضلات خود را با ایشان در میان گذاشته و حمایت‌شان را جلب کنند. ولی افسوس هماهنگی، نظم، طرح و برنامه مشترک بین اداره‌کنندگان اردوگاه کوچک‌ترین اقدام و حداقل ارائه گزارش را از بین برده، و این مسئله سختی‌ها و مشکلات اسارت را دوچندان کرده بود.

بدیهی است اگر بعضی از عوامل اردوگاه دربارهٔ رفتار خشونت‌آمیز و غیرانسانی با سایر اعضا اختلاف نظر داشتند و از اسیران جنگی و حقوق قانونی آن‌ها حمایت می‌کردند، فرصتی فراهم می‌شد تا با آسودگی خیال، بدون ترس و وحشت نمایندگان صلیب سرخ از مشکلات موجود در اردوگاه باخبر شده و به مقامات رده‌بالای حکومتی و صلیب سرخ جهانی اطلاع می‌دادند و بی‌شک موقعیت اسرا بهبود می‌یافت، ولی متأسفانه این اتفاق هرگز رخ نداد و اسیران ایرانی در نهایت درد و رنج ایام زندانی خود را سپری کردند.

فهرست منابع

- «گزارش رییس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ»، روزنامه اطلاعات، شماره 16572، آبان 1360.
- اداره پژوهش و نگارش (1369)، «تولدی دیگر در اسارت»، کیهان، 29 مهر 1369.
- اردبیلی، محمدعلی؛ رشنودی، عارف (1397)، «مسئولیت مبتنی بر فعالیت مجرمانه مشترک در حقوق بین‌الملل کیفری»، آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره 16، پاییز - زمستان.
- اکبری، رحمت‌الله (1383)، خاطرات بازداشتگاه 12 و 18 عراق، تهران: رسانه، چاپ اول.
- بوس، گیدئون؛ جیمز ال، بیسچوف؛ ناتالی ال، رید (1392)، اشکال مسئولیت در حقوق بین‌المللی کیفری، ترجمه حسین آقایی جنت‌مکان، تهران: جاودانه جنگل، چاپ اول.
- جان‌پور، مجتبی؛ لادمخی، معصومه (1393)، «مفهوم موسع اقدامات مجرمانه مشترک در حقوق کیفری بین‌الملل»، مجله پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره ششم، زمستان.
- جوانی، جمشید (1387)، بررسی جنایات جنگی در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز.
- خالقی ابوالفتح؛ میرزایی مقدم، مرتضی (1392)، «مسئولیت کیفری بین‌المللی در پرتو نظریه فعالیت مجرمانه مشترک»، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال چهارم، شماره اول و دوم، بهار و تابستان.
- داعی، علی (1387)، «مسئولیت بین‌المللی نقض حقوق ایران جنگی ایرانی در عراق»، مجله حقوقی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، شماره 38.
- زمانی، سید قاسم (1395)، «واگرایی و هم‌گرایی» مسئولیت کیفری فردی و «مسئولیت بین‌المللی دولت»؛ تأملی در اوراق پرونده جنگ شیمیایی عراق علیه ایران»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال هجدهم، شماره 51، تابستان.
- کریانگ، ساک؛ شیایزری، کیتی (1383)، حقوق بین‌المللی کیفری، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، تهران: سمت، چاپ اول.
- گرین وود، کریستوفر (1374)، دیوان بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، ترجمه مهرداد سیدی، دوره 13، شماره‌های 18 و 19، پاییز و زمستان.
- گزارش بازدید کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (1361)، «خاکریز پنهان از اردوگاه موصل 1»، در تاریخ‌های 27 و 28 و 29 انتشارات ستاد آزادگان، تیرماه.
- محسنی، فرید (1388)، «مرزهای دقیق مسئولیت فردی بر اساس دکترین مسئولیت کیفری جمعی»، دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره 48، زمستان.

مسئولیت کیفری ناشی از «فعالیت مجرمانه مشترک» در قبال اسرای جنگی ایرانی در عراق

محمدی، قاسم؛ عباس‌زاده امیرآبادی، احسان (1394)، «رویکرد جرم‌شناختی به مقوله مشارکت جنایی»، پژوهش حقوق کیفری، شماره 12، پاییز 1394.

میرکمالی، علیرضا؛ پورمازار، محمد؛ نریمانی زمان‌آبادی، محمدرضا (1397)، «نظریه فعالیت مجرمانه مشترک، در پرتو آرای دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره 82، بهار.

میرمحمدصادقی، حسین (1383)، دادگاه کیفری بین‌المللی، چاپ اول، تهران: نشر دادگستر.

- Ambos, Kai (2007), "Joint criminal Enterprise and Command Responsibility", *Journal of International Criminal Justice*, No. 5.
- Antonio Cassese (2007), "the Proper Limits of Individual Responsibility under the Doctrine of Joint Criminal Enterprise", *Journal of International Criminal Justice*, No. 35, p. 24.
- Case Information Sheet, Milan Martić, International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia, p. 1.
- Danner, A. M. and Martinez (2005), *Guilty Associations: Joint Criminal Enterprise, Command Responsibility, and the Development of International Criminal Law*, Forthcoming Cal. L. Rev. January
- Elies Van Sliedregt (2007), "Joint Criminal Enterprise as a Pathway to Convicting Individuals for Genocide", *Journal of International Criminal Justice*.
- Harmen van der Wilt (2007), "Joint Criminal Enterprise Possibilities and Limitations", *Journal of International Criminal Justice*, 5.
- Herbert Wechsler (1961), *the Issues of the Nuremberg Trial*, In *Principles, Politics, and Fundamental Law: Selected Essays*.
- Iryna Marchuk (2013), *The Fundamental Concept of Crime in International Criminal Law*, Springer.
- Judgment, Kvočka and others (IT-98-30/1), Trial Chamber, 2 November 2001. p. 278
- Judgment, Kvočka and others (IT-98-30/1), Trial Chamber, 2 November 2001. p. 311
- Judgment, Tadić (IT-94-1-A), ICTY Appeals Chamber, 15 July 1999. p. 183 (hereinafter. Tadić Appeal Judgment).
- Judgment, Tadić (IT-94-1-A), ICTY Appeals Chamber, 15 July 1999. p. 204 (hereinafter. Tadić Appeal Judgment).
- Judgment, Tadić (IT-94-1-A), ICTY Appeals Chamber, 15 July 1999. p. 206 (hereinafter. Tadić Appeal Judgment).
- Judgment, Tadić (IT-94-1-A), ICTY Appeals Chamber, 15 July 1999. p. 204-206 (hereinafter. Tadić Appeal Judgment).
- Judgment, Tadić (IT-94-1-A), ICTY Appeals Chamber, 15 July 1999. p. 204 (hereinafter. Tadić Appeal Judgment).
- Judgment, Tadić (IT-94-1-A), ICTY Appeals Chamber, 15 July 1999. p. 203 (hereinafter. Tadić Appeal Judgment).
- Judgment, Tadić (IT-94-1-T), ICTY Trial Chamber, 11 November 1997. p. 373.
- Katrina Gustafson (2007), "The Requirement of an 'Express Agreement' for Joint Criminal Enterprise Liability a Critique of Brdanin", *Journal of International Criminal Justice*.
- Prosecutor V. Kernojelac (2003), ICTY Appeals Chamber, IT-97-25-A., 2003.
- Prosecutor V. Multinovic et al (2003), Decision on Dragoljub Ojdanic Motin challenging jurisdiction- joint criminal enterprise, Appeals Chamber, Case No. IT-99-37- AR72.

23. - 2003.
- Prosecutor V. Vasilevica (2004), ICTY Appeals Chamber, case No: IT- 98-32-T. p. 95.
- Report of a Mission Dispatched by the Secretary-General on the Situation of Prisoners of War in the Islamic Republic of Iran and Iraq, January 1985, at para. 103 & 105.
- Report of a Mission Dispatched by the Secretary-General on the Situation of Prisoners of War in the Islamic Republic of Iran and Iraq, January 1985, at para. 96 & 97.
- Report on ICRC Visit to Iranian Prisoners of War in Tamuz Military Hospital, 18 November 1984, at para 10.
- Report on Visit to Prisoner of War Camp 4 [Mosul 23, 24 and 25 May 1984, at para 20].
- Report on Visit to Prisoner of War Camp 8, 27, 28 and 29 July 1982, at para. 138.
- Tadic Appeal Judgment, para 189; Krnojelac Milorad Appeal Judgement, para 73; Kvočka and others, Appeal Judgement, para. 79.
- Tadic Appeal Judgment, Para. 196; Milutinovic and others, Trial Judgment, para. 204.
- Trial of Feutstein and others, 24 August 1948, Proceedings of a War Crimes Trial held at Hamburg, Germany
- Trial of Gustav Alfred Jepsen and others, 24 August 1946, Proceeding of a War Crimes Trial held at Luneberg, Germany.
- Trial of Josef Kramer and 44 others, Vol. II, Para 121. Sited in: Tadic Appeal Judgment, Para 202.
- Trial of the Major War Criminals before the International Military Tribunal, 262, 268, 273, Washington 1947. p. 27

